

بررسی ساخت‌واژی افعال گویش کورده‌ای (لار) از دیدگاه رده‌شناسی

رها زارعی فرد^۱

عاطفه کارکن^۲

چکیده

در این مقاله به بررسی ساخت‌واژی افعال گویش کورده‌ای از دیدگاه رده‌شناسی پرداخته شده است. هدف از این پژوهش، بررسی رده صرفی افعال گویش کورده‌ای است. بدین منظور فعل در زمان‌های گذشته، حال و آینده در گویش کورده‌ای صرف می‌شود که تفاوت‌هایی از جمله تفاوت آوایی با لارستانی دارد. داده‌ها که شامل افعال این گویش است با استفاده از روش کتابخانه‌ای و همچنین از طریق مصاحبه با افراد مسن و نیز شمّ زبانی نگارنده جمع‌آوری شده است. در این مقاله، مصدرها و اجزای پیشین تغییردهنده فعل در گویش کورده‌ای و «افعال معین» در این گویش معرفی شده و سپس صرف افعال در زمان‌ها و وجوه مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی‌های انجام شده این نتیجه حاصل شده است که این افعال از نظر طبقه صرفی به دسته زبان‌های ترکیبی - پیوندی تعلق دارند. در گویش کورده‌ای از دو نوع شناسه خاص فاعلی و مفعولی برای صرف فعل‌های ماضی در زمان‌های مختلف استفاده شده است و افعال معین هم با تغییرات واجی که به همراه افعال اصلی می‌آید، در صرف کاملاً تغییر شکل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: زبان لاری، گویش کورده‌ای، شناسه‌ها، افعال معین، صرف افعال.

^۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه جهرم (نویسنده مسئول) Email: raha.zareifard@gmail.com

^۲. دانش‌آموخته زبان‌شناسی دانشگاه جهرم

۱- مقدمه

لارستان نام بزرگ‌ترین منطقه در جنوب شرقی فارس است که در سال‌های نه چندان دور، شامل شهرستان‌های کنونی «لار، لامرد، بندرلنگه، بندر کنگان، بندر دیر، قشم، بستک، خنج، گراش، اوز و بنارویه» می‌شده است. نقشه عمومی لارستان را پرفسور کالمار (بی تا) در جلد ششم دایرةالمعارف اسلامی ترسیم کرده است. شهرستان لارستان به مرکزیت لار از شمال به شهرستان‌های داراب و جهرم و از غرب به شهرستان فیروزآباد و از جنوب به شهرستان لامرد و استان هرمزگان و از شرق به استان هرمزگان محدود می‌شود و از نظر وسعت، اولین شهرستان استان فارس است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، این شهرستان دارای هشت نقطه شهری به نام‌های لار، گراش، اوز، خنج، بنارویه، جویم و بیرم و هفت بخش است.

مالچانوا، زبان‌شناس روسی می‌گوید:

«در محدوده زبان‌های گروه جنوب غربی ایران، نزدیک‌ترین لهجه به گویش لاری، زبان فارسی است ولی نه آن چنان که بتوان آن را لهجه دیگری از آن زبان به شمار آورد و بین آن‌ها تفاوت‌های اساسی قائل شد، با این‌که لاری تشابهاتی با زبان‌های گروه شمال غربی دارد (کردی، سیوندی، بلوچی)، اما خود روش و لهجه‌ای مخصوص دارد که آن را از دیگر گویش‌ها متمایز می‌سازد» (مالچانوا، ۱۹۸۲: ۱۸۸).

در حال حاضر می‌توان لهجه‌های فرعی لارستان را در نواحی زیر مشاهده کرد: اوز، بیخه، خنج، گراش، بستک، فرامرزان، فیشور، درز، بشکرد، قشم، لارک، فداغ، بندر عباس. این زبان بازمانده لهجه پهلوی اشکانی است و دو هزار سال است که در این منطقه رواج دارد ولی تمام لهجه‌ها قابل فهم است. این زبان در جای‌جای این منطقه نموده‌های گوناگونی دارد که بیشترین این تفاوت‌ها در تلفظ واژگان است. محمد دبیرمقدم (۱۳۹۲) در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایران از زبان رایج در منطقه با نام زبان لارستانی نام برده است؛ چرا که طی تحقیقات متوجه شده است که گویشوران فارسی و گویشوران لارستانی با هم فهم متقابل ندارند. نظام دستوری فارسی و نظام دستوری لارستانی با هم تفاوت‌های بسیار بنیادی دارند، به طوری که تفهیم متقابل را به طور کلی ناممکن می‌کند.

روستای کورده برحسب سلسله مراتب اداری-سیاسی در دهستان دهکویه بخش مرکزی، از شهرستان لار قرار گرفته است که فاصله آن تا مرکز دهستان ۹ کیلومتر و تا شهر لار ۱۸ کیلومتر است. روستای کورده در قسمت جنوبی دهستان دهکویه، شمال شرق شهر لار، در مسیر جاده ارتباطی لار به جهرم قرار گرفته است. گویش کورده‌ای یکی از گونه‌های زبان لاری است که تفاوت آن با زبان لاری بیشتر در تلفظ (ادای واکه‌ها) است. نگارندگان این مقاله سعی کرده‌اند به بررسی صرف فعل در گویش کورده‌ای بپردازند. در این مقاله داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و هم‌چنین مصاحبه با افراد مسن

و نیز شمّ زبانی نگارنده جمع‌آوری شده است. در تحلیل و صرف افعال از الگوی وثوقی (۱۳۸۰) نیز استفاده شده است.

۲- پیشینه تحقیق

درباره زبان لاری تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. در سال ۱۹۱۴ میلادی، راماسکوپیچ روسی (۱۹۴۵) به منطقه لارستان سفر کرده و تحقیقات خود را آغاز نموده است. نتیجه تحقیقات وی مقاله دستوری، فهرست کوتاهی از لغات لاری و متون لاری، ۵۵ دوبیتی و یک قصیده محلی است. اقتداری (۱۳۳۴) نیز در کتاب «فرهنگ لارستانی» توانسته است حدود پنج هزار واژه محلی و نکته‌های دستوری را بیان کند، وی با مقاله «لهجه فیشوری» (۱۳۴۲) و «ترانه اسمش نادم» (۱۳۵۰) در لهجه بستکی تحقیقات خود را ادامه داده است. بستکی به نقل از وثوقی (۱۳۵۹) در کتاب خود به نام «فرهنگ بستکی»، هزار واژه به لهجه بستکی را ارائه داده است.

دکتر کوچی کامیوکا و مینورو یامادا (۱۹۷۹) اثر خود را با عنوان «لغات اساسی لاری» منتشر کردند که مهمترین ویژگی آن تقسیم‌بندی الفبایی واژه‌ها به زبان فارسی و انگلیسی است. فرامزی به نقل از وثوقی (۱۳۶۳) در کتاب «فرهنگ فرامزان»، بیش از سه هزار واژه اصیل فرامزی را به ترتیب حروف الفبا با برگردان فارسی ضبط کرده است. مالچانوا (۱۹۸۲) زبان‌شناس روسی در کتاب خود به نام «زبان لارستانی» مختصات زبان‌شناسی گویش لاری را در بخش‌های سیستم واکه‌ای و هم‌خوانی، پدیده‌های آواشناسی، صرف ریشه‌اسامی، کلمه‌سازی، صفت، ضمائر و افعال بررسی کرده است. بستکی به نقل از وثوقی (۱۳۶۲) در کتاب «ادبیات محلی جهانگیریه»، اشعار محلی سراینندگان بومی را آورده است که به فارسی برگردان نشده است. اشمیت (۱۳۹۳) در کتاب خود تحت عنوان «راهنمای زبان‌های ایرانی» به آواشناسی، صرف، فعل، نحو، ضمائر، حروف اضافه در زبان لاری پرداخته است. صادقی به نقل از وثوقی (۱۳۶۴) مقاله‌ای با نام «لغات لاری و گرمسیری» از قرن نهم ارائه داده است که درباره واژه‌های گویش لاری در متون تاریخی توضیح داده است. کلباسی (۱۳۶۷) نیز در مقاله «دستگاه فعل در گویش لاری»، مطالبی درباره ویژگی‌های صرف فعل لاری بیان کرده است، وی هم‌چنین مقاله دیگری (۱۳۶۹) با نام «ساخت واژه در گویش لاری» ارائه داده است.

خنجی (۱۳۷۸) در کتاب خود با عنوان «گویش خنجی بر مبنای دستور زبان لارستانی»، گویش و آواها، اسم، صفت، ضمیر، قید، حروف اضافه، حروف ربط، اصوات، فعل، ترکیب واژه‌ها و ساختار عبارت و جمله را توضیح داده است.

انجم روز به نقل از وثوقی (۱۳۷۵) کتاب خود را با نام «فرهنگ دری» منتشر کرده که شامل لغات و واژه‌ها و اعلام جغرافیایی جنوب ایران از حروف «آ» تا «ج» است و بسیاری از لغات لاری را شامل

می‌شود. هم‌چنین وثوقی (۱۳۶۹) در کتاب «لار شهری به رنگ خاک» به طور کامل به مبحث صرف فعل در گویش لاری پرداخته است.

مورخ لاری (۱۳۷۱) در اثر خود به نام «تاریخ لارستان»، مختصری در مورد زبان لاری سخن گفته است. دو پایان‌نامه دانشگاهی از سمیعی (۱۳۷۰) با نام «گویش لاری» و کامیاب (۱۳۷۱) با نام «واژه‌نامه تطبیقی لاری- پهلوی» نیز موجود است که به چاپ نرسیده است. دبیرمقدم (۱۳۹۲) در کتاب «رده‌شناسی زبان‌های ایران»، درباره زبان لاری سخن گفته است. اما در مورد گویش کورده‌ای تاکنون تحقیق مجزایی صورت نگرفته است و در این مقاله افعال این گویش مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۳- چارچوب نظری تحقیق

توصیف رده‌شناسی زبان‌ها در حوزه صرف، اغلب بر اساس پارامترهایی که در زیر شرح داده می‌شود به دو دسته تحلیلی و ترکیبی تقسیم می‌شوند. زبان‌های ترکیبی، خود به رده‌های پیوندی، ادغامی، بساوندی تقسیم می‌گردند و زبان‌های بساوندی، نظر به این که چند صورت واژگانی را در خود جای داده‌اند؛ به دو دسته تک‌پایه و چندپایه تقسیم می‌شوند.

هم‌چنین می‌توان به رده زبان‌های تصریفی اشاره کرد که در آنها یک صورت واژگانی بر اساس یک یا چند ویژگی خاص تصریف می‌شود.

۱- وند افزایی: یکی از ویژگی‌های زبان‌های تحلیلی این است که فاقد پدیده وندافزایی در ساختواژه خود هستند.

۲- تعداد تکواژها در واژه: زبان‌هایی که شامل مقولات دستوری بیشتری در یک واژه هستند از آنهایی که این تعداد کمتر در واژه به کار می‌برند ترکیبی‌ترند و اگر زبانی دارای افعال تصریف‌شده برای نمود، زمان، وجه و تطابق باشد (مثل لاتین) بیشتر ترکیبی در نظر گرفته می‌شود.

۳- درجه ادغام: زبان‌های پیوندی در برابر زبان‌های تصریفی یا ادغامی بر اساس درجه تقطیع‌پذیری واژه‌ها به تکواژ مشخص می‌شوند. در یک زبان پیوندی، مرز تکواژها نامشخص است و ارتباط تکواژگونه‌ها تا حد زیادی از لحاظ واج شناختی تعریف می‌شود. در زبان‌های تصریفی مانند لاتین به دلیل حضور گونه‌های تکواژی مشترک، همگونی، ادغام در مرزهای تکواژی و وجود تکواژگونگی واژگانی در شکل طبقات صرف فعل و جنس دستوری تقسیم واژه به تکواژهای تشکیل‌دهنده امری پیچیده است.

۴- تعداد صورت‌های بیشتر واژگانی در یک واژه یا پدیده چندپایگی: زبان‌های بساوندی نه تنها دارای مقولات دستوری زیادی هستند که در ساختمان فعل بیان می‌شوند، نوعاً بیش از یک ستاک واژگانی در واژه را نشان می‌دهند (کلباسی و قنادی، ۱۳۸۶).
در این تحقیق برآنیم تا با بررسی ساخت‌واژی افعال گویش کورده‌ای، حوزه صرفی آن‌ها را مشخص نماییم.

۴- بررسی ساخت‌واژی افعال گویش کورده‌ای

در این بخش، مصادر و اجزای پیشین تغییر دهنده فعل در گویش کورده‌ای و «افعال معین» در گویش کورده‌ای معرفی شده و سپس صرف افعال در زمان‌ها و وجوه مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- مصدر در گویش کورده‌ای

در گویش کورده‌ای مصدر به صورت‌های زیر می‌آید:

۱. مصدرهایی که به [ta] (ت) ختم می‌شوند، شکل دگرگون‌شده مصدرهای فارسی است که به (تن) [tan] و یا (ختن) [xtan] ختم می‌شود.

فروختن	terata	فَرَت
سوختن	sota	سُت
کشتن	košta	کَشَت

۲. مصدرهایی که به [da] (د) ختم می‌شوند، شکل دگرگون‌شده مصدرهای فارسی است که به [dan] (دن) ختم می‌شود.

دیدن	deda	دَد
شدن	boda	بُد

۳. مصدرهایی که به [eda] (د) ختم می‌شوند، شکل دگرگون‌شده مصدرهای فارسی است که به [idan] (یدن) ختم می‌شود.

رسیدن	raseda	رَسِد
چیدن	eda č	چَد

۴. مصدرهایی که به [ada] ختم می‌شوند، شکل دگرگون شده مصدرهای فارسی است که به (آدن) [ādan] ختم می‌شود.

نهادن	nada	نَدَّ
فرستادن	feressada	فَرَسَدَ

۵. مصدرهایی که به [essa] (اَسَّ) یا [assa] (اَسَّ) ختم می‌شوند، شکل دگرگون شده (ستن) [stan] در مصدرهای فارسی است.

نشستن	šassa	شَسَّ
بستن	bassa	بَسَّ
دانستن	dānessa	دانسَّ

باید توجه داشت که بقیه اجزای فعل‌ها بر اساس دگرگونی‌های واجی تغییر شکل یافته‌اند.

۴-۲- اجزای پیشین تغییر دهنده فعل در گویش کورده‌ای

اجزای پیشین به تکواژهایی اشاره دارد که منحصراً در ساختار فعل حضور دارند و نقش دستوری یا معنایی را ایفا می‌کنند. آنچه که اهمیت دارد در واقع نقش دستوری این تکواژها در «تغییر وجه» و از نظر معنایی تداوم و تکرار است.

- [a] (ا) : معنی مداومت را می‌دهد. در وجه اخباری، زمان حال، آینده و زمان حال استمراری به کار می‌رود. در افعال با ترکیب [e] (ا) در واکه مرکب [a+e] می‌آید: ayrām می‌گذارم (از مصدر [ešta] به معنی گذاردن).

آشکنام	aškenām	خواهم شکست
آسازام	asāzām	خواهم ساخت

- [dā] (دا) : در اغلب موارد هم، چون جزء جدا نشدنی به نظر می‌رسد و معنی مداومت را می‌رساند؛ معمولاً در وجه اخباری به کار می‌رود.

دارام	dārām	می‌آورم
دانتام	dāntām	داشتم می‌آمدم

- [be - bo] (ب - بُ) در وجه امری و التزامی بیشتر افعال می‌آید.

بُخ	boxo	بخور
-----	------	------

بیر	bobā	بُبا
بمیر	bemer	بِمِر
بفرست	beferes	بِفِرِس
- [o] (أ) : غالباً در وجه امری و وجه اخباری به کار می‌رود.		
برو	očā	أچا
دارم می‌آیم	ondām	أندام
- [ā] (آ) : در وجه اخباری به کار می‌رود.		
دارم می‌آورم	ārdām	آردام
- [vā-ve-vo-vi] (وا-ؤ-و-وی) در وجه امری و التزامی به کار می‌رود.		
بشین	vini	وینی
بخر	vose	ؤس
بخوان	vexān	وِخوان
پیداکن	vāǰu	واجو
بردار	vāse	واسه

۴-۲-۱- شناسه (ضمیر)

در گویش کورده‌ای به دلیل متمایز بودن صرف فعل لازم و متعدی در زمان گذشته و هم‌چنین به دلیل داشتن نشانه استمرار (أ) [a] که در صرف زمانی استمراری به کار می‌رود، کاربرد شناسه‌ها تفاوت‌های بارزی از خود نشان می‌دهد؛ بدین معنی که در صرف فعل ماضی از نوع لازم، شناسه‌های پسین و در صرف فعل ماضی از نوع متعدی، شناسه پیشین می‌آید. چون نشانه استمرار در گویش کورده‌ای به شکل پیشین و واکه است، در انواع شناسه‌های متعدی نیز تفاوت حاصل می‌شود بدین ترتیب که کلیه افعال متعدی (از نوع غیر استمراری) با شناسه‌های پیشین مخصوص و کلیه افعال متعدی از نوع استمراری با شناسه‌های پیشین متفاوت به کار گرفته می‌شود.

به دلیل عدم استفاده از علامت مفعول با واسطه در گویش کورده‌ای، شناسه‌های فاعلی و مفعولی به هم شباهت یافته‌اند که بخش بسیار پیچیده و در عین حال، ساده در گویش کورده‌ای است؛ از این رو بخشی از این پژوهش به شناسایی شناسه‌های فاعلی و مفعولی اختصاص می‌یابد:

۴-۲-۱-۱- شناسه‌های فاعلی

• شناسه‌های پسین فاعلی

آم	ām	اول شخص مفرد
إش	eš	دوم شخص مفرد
∅	∅	سوم شخص مفرد
اوم	um	اول شخص جمع
ای	i	دوم شخص جمع
إن	en	سوم شخص جمع

مثال از مصدر کَت [kata] به معنی افتادن

افتادم	katām	کتام
افتادی	kateš	کتیش
افتاد	kat	کت
افتادیم	katum	کتوم
افتادید	kati	کتی
افتادند	katen	کتین

شناسه‌های پسین در کلیه افعال زمان حال و آینده و در افعال لازم زمان گذشته به کار می‌رود.

• شناسه‌های پیشین (الف) [مخصوص صرف افعال متعدی زمان ماضی به جز در حالت‌های استمراری]

خوردم	omxa	آم مثال: أَمَخَ	om	اول شخص مفرد
خوردی	otxa	أَتَ أُتَخَ	ot	دوم شخص مفرد
خورد	ošxa	أَشَ أُشَخَ	oš	سوم شخص مفرد
خوردیم	moxa	مُخَ مُخَ	mo	اول شخص جمع

خوردید	toxa	تُخ	تُ	to	دوم شخص جمع
خوردند	šoxa	شُخ	شُ	šo	سوم شخص جمع

شناسه‌های پیشین (ب) [مخصوص صرف افعال متعدی زمان ماضی حالت‌های استمراری]

می‌خوردم	maxa	مَخ: مثال:	مَ	ma	اول شخص مفرد
می‌خوردی	taxa	تَخ	تَ	ta	دوم شخص مفرد
می‌خورد	šaxa	شَخ	شَ	ša	سوم شخص مفرد
می‌خوردیم	moaxa	مَوَخ	مُوا	moa	اول شخص جمع
می‌خوردید	toaxa	تَوَخ	تُوا	toa	دوم شخص جمع
می‌خوردند	šoaxa	شَوَخ	شُوا	šoa	سوم شخص جمع

شناسه‌های پیشین از نوع (ب) در صرف افعال متعدی در انواع ماضی که حالتی استمرار داشته باشد به کار گرفته می‌شود.

۲-۱-۲-۴- شناسه‌های مفعولی

در گویش کورده‌ای، نشانه مفعولی وجود ندارد و برای نشان دادن مفعول در جمله از شناسه استفاده می‌شود که به طور خاصی با شناسه‌های فاعلی یکی است.

الف. شناسه پسین مفعولی

جمع	مفرد
um	ām
i	eš
en	∅

مثال از مصدر (گُت) [gota] به معنی گفتن:

او به من گفت	ošgotām	اُشگتām
او به تو گفت	ošgoteš	اُشگتēš
به او گفت	ošgot	اُشگت
او به ما گفت	ošgotum	اُشگتūm
او به شما گفت	ošgoti	اُشگتī
او به آن‌ها گفت	ošgoten	اُشگتēn

شناسه‌های فوق در صرف افعال در زمان گذشته (به استثنای زمان‌های استمراری) به کار برده می‌شود. شناختن آن از شناسهٔ فاعلی ساده است زیرا در این حالت به طور مشخص از دو شناسه استفاده می‌شود که شناسهٔ پیشین فاعلی و شناسهٔ پسین مفعولی است. تنها در سوم شخص مفرد که شناسه ندارد مشکل بازشناسی، هم‌چنان پا برجاست و نمی‌توان از روی ظاهر کلمه بدان بی‌برد و تنها می‌توان از سیاق جمله دریافت. به مثال زیر در این مورد دقت کنید:

در جواب ما اَشْگَتْ dar ĵavābe mā ošgot در جواب من گفت

در این جمله «اَشْگَتْ» ošgot گذشته ساده است، در حالی که با همین تلفظ به معنای «به او گفت» نیز می‌آید.

ب. شناسهٔ مفعولی پیشین

جمع		مفرد	
moa	مُوا	ma	مَ
toa	تُوا	ta	تَ
šoa	شُوا	ša	شَ

مَزِنِش mazeneš تو مرا می‌زنی / شَزِنِش šazeneš تو او را می‌زنی

شناسه‌های فوق در صرف افعال در زمان استمراری به کار برده می‌شود. بازشناسی آن از شناسه فاعلی ساده است. چه در این حالت به طور مشخص از دو شناسه استفاده می‌شود که شناسه پیشین مفعولی و شناسه پسین فاعلی است. اگر فاعل سوم شخص مفرد باشد چون درگوش کورده‌ای نشانه آن همانند فارسی صفر است تنها از شناسه مفعولی در کلمه استفاده می‌شود مانند:

او مرا می‌زند	mazān	مَزان
او تورا می‌زند	tazān	تَزان
او وی را می‌زند	šazān	شَزان
او ما را می‌زند	moazān	موازان
او شما را می‌زند	toazān	توازان
او آن‌ها را می‌زند	šoazān	شوازان

در این مثال‌ها تنها از شناسهٔ مفعولی [ma-ta-ša-moa-toa-šoa] استفاده شده است و شناسه‌ای برای فاعل ذکر نمی‌گردد.

۴-۳- «افعال معین» در گویش کورده‌ای

در گویش کورده‌ای، افعال معین در افعال ماضی نقلی و نقلی مستمر، بعید و بعید مستمر، ابعده و ابعده مستمر و التزامی به کار می‌رود. تفاوت اساسی و بارز صرف افعال معین کورده‌ای در مقایسه با افعال معین فارسی این است که به دلیل تمایز صرف فعل لازم و متعدی در زمان گذشته و استفاده از دو نوع شناسهٔ پیشین و پسین در افعال کورده‌ای، نوعی ادغام و تغییر شکل بین افعال معین که به شکل پسوندی عمل می‌کنند و شناسهٔ پیشین در افعال متعدی رخ می‌دهد که تا حدودی صرف فعل را تحت تاثیر قرار داده است. تفاوت دیگر این است که در زبان فارسی، افعال معین به شکل پسوندی و بدون تغییر شکل به کار گرفته می‌شوند در حالی که در کورده‌ای، افعال معین همپای افعال اصلی در صورت‌های لازم و متعدی آمده و تغییر شکل کامل می‌دهند. این عمل به نوعی پیچیدگی در صرف افعال منجر شده است. برای درک بهتر خصوصیت افعال معین در هر یک از زمان‌ها نگارنده در این بخش به طور جداگانه آن‌ها را توضیح داده و در بخش بعد به صرف افعال پرداخته است.

افعال معین

۱. اِس [essa] استن

در صرف افعال لازم در زمان ماضی نقلی و نقلی مستمر به کار برده می‌شود:

اِسَام	essām	ام (استم)
اِسْش	esseš	ای (استی)
اِ	e	است
اِسُوم	essum	ایم (استیم)
اِسْی	essi	اید (استید)
اِسْن	essen	اند (استند)

در صرف افعال متعدی ماضی نقلی نیز از شکل دگرگون شدهٔ این فعل استفاده می‌شود. چون شناسه در افعال متعدی زمان ماضی به صورت پیشوند می‌آید در حالی که فعل معین باید به حالت پسوندی به کار گرفته شود، در صرف اِس [essa] (استن) تغییر شکل ایجاد شده و بین شناسهٔ پیشین و فعل معین essa اِس، فعل اصلی قرار می‌گیرد. جدول زیر بیانگر شیوهٔ معمول است:

شناسهٔ پیشین	فعل اصلی	فعل معین	
om	---	e	ام
ot	---	e	ای
oš	---	e	است
mo	---	e	ایم
to	---	e	اید
šo	---	e	اند

در صرف افعال متعدی از زمان نقلی مستمر به دلیل ادغام جزء پیشین a (اَ) (نشانه استمرار) و شناسه‌های پیشین مندرج در جدول، بر اساس جدول زیرین دست‌خوش تغییر می‌شود:

شناسهٔ پیشین	فعل اصلی	فعل معین	
mo	---	e	ام
to	---	e	ای
šo	---	e	است
moa	---	e	ایم
toa	---	e	اید
šoa	---	e	اند

در صرف افعال ماضی بعید و بعید مستمر در گویش کورده‌ای از مصدر [essa] «(اَسْ)» با تغییر شکل خاصی استفاده می‌شود و به معنای بودن به کار می‌رود که به طور اجمال به آن اشاره می‌شود:

فعل معین «استن» در ماضی بعید و بعید مستمر (افعال لازم)

جمع		مفرد	
essānum	اِسَانوم	essā-nām	اِسَانام
essāni	اِسَانی	essā-neš	اِسَانش
essānen	اِسَانین	essu	اِسُون

فعل معین استن در ماضی بعید (افعال متعدی)

جمع		مفرد	
mo	--	essun	om -- essun
to	--	essun	ot -- essun
šo	--	essun	oš -- essun

فعل معین «استن» در ماضی بعید مستمر (افعال متعدی)

جمع		مفرد	
moa	--	essun	ma -- essun
toa	--	essun	ta -- essun
šoa	--	essun	ša -- essun

۲. بُد [boda] بودن

فعل معین بُد [boda] در ماضی ابعد و ابعد مستمر (افعال لازم)

بوده‌ام (بودستم)	bodessām	بُدَسَام
بوده‌ای (بودستی)	bodesseš	بُدَسَش
بوده است (بودست)	bode	بُد
بوده‌ایم (بودستیم)	bodessum	بُدَسُوم
بوده‌اید (بودستید)	bodessi	بُدَسِی
بوده‌اند (بودستند)	bodessen	بُدَسِن

همین مصدر به شکل زیر نیز صرف می‌شود:

بوده‌ام	boss-ām	بُسام
بوده‌ای	boss-eš	بُشش
بوده است	bode	بُد
بوده‌ایم	boss-um	بُسوم
بوده‌اید	boss-i	بُسی
بوده‌اند	boss-en	بُسن

* احتمالاً این مصدر در دو شکل هم‌معنی به کار می‌رفته است که یکی از آن دو [boda] (بودن) و دیگری [bossa] (بودن) است و به مرور زمان، مصدر دومی از بین رفته است اما در صرف فعل استفاده می‌شود. دوگونه بودن مصدر هم معنا در گویش کورده‌ای به چشم می‌خورد؛ مانند:

خَلِدَ / xaleda / سِسَّ / sessa خریدن

به نظر می‌رسد که احتمالاً دوگانگی مصدرهای هم‌معنی در موردهای دیگر هم صورت می‌گرفته است که به مرور زمان یکی از آن‌ها منسوخ شده است اما در صرف فعل به کار می‌رود:

آمدن	dāonda	دَاأند	و	onda	أند
رفتن	čessa	چَسَّ	و	čeda	چَد

فعل معین بُد [boda] ماضی التزامی (افعال لازم):

باشم	b-am	بام
باشی	b-eš	بِش
باشد	be	بِ
باشیم	b-um	بوم
باشید	b-i	بی
باشند	b-en	بِن

معین بودن ماضی التزامی (افعال متعدی):

باشم	om	--	be
باشی	ot	--	be
باشد	oš	--	be
باشیم	mo	--	be
باشید	to	--	be
باشند	šo	--	be

* علت تغییر شکل این نوع مصدرها قبلاً ذکر شده است.

۴-۴- صرف افعال

«صرف فعل در وجه اخباری»

مصدر (با حذف آخرین واکه) + [ā] + شناسه پسین فاعلی

دارم می‌آیم	ond-ā-m	أندام
داری می‌آیی	ond-ā-eš	أندایش
دارد می‌آید	ond-ā-yn	أندین
داریم می‌آییم	ond-ā-um	أنداوم
دارید می‌آیید	ond-ā-i	أندائی
دارند می‌آیند	ond-ā-en	أندانن

«زمان آینده»

جزء پیشین آ [a] + مصدر (با حذف آخرین همخوان) + شناسه پسین فاعلی

خواهم خورد (می خورم)	axorām	أخْرَام
خواهی خورد (می خوری)	axoreš	أخْرِش
خواهد خورد (می خورد)	ax	أَخْ
خواهیم خورد (می خوردم)	axorum	أخْرُوم
خواهید خورد (می خورید)	axori	أخْرِي
خواهند خورد (می خورند)	axoren	أخْرِن

«زمان گذشته ساده»

الف. افعال لازم

مصدر (با حذف واکه آخر) + شناسه پسین

خوایدم	xat-ām	خْتَام
خوایدی	xat-eš	خْتِش
خواید	xat	خَتْ
خوایدیم	xat-um	خْتُوم
خوایدید	xat-i	خْتِي
خوایدند	xat-en	خْتِن

ب. افعال متعدی

شناسه پیشین (الف) + مصدر (با حذف نشانه‌های مصدر) + اجزای پسین

توجه: در صرف افعال متعدی اجزای پسین به طور نسبتاً منظمی در مصدرها متفاوت می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها را ذکر خواهیم کرد:

۱- در مصدرهایی که به [nada] (نَد) ختم می‌شود :

شناسه پیشین (الف) + مصدر (با حذف نشانه‌های مصدر) + ن [na]

تکاندن	takenada	مصدر تَكَندَ
تکاندم	om-takena	أَم تَكِنَ
تکاندی	ot-takena	أَت تَكِنَ
تکاند	oš-takena	أَش تَكِنَ
تکاندیم	mo-takena	مُ تَكِنَ
تکاندید	to-takena	تُ تَكِنَ
تکاندند	šo-takena	شُ تَكِنَ

۲- مصدرهایی که به [ta] (ت) ختم می‌شوند :

شناسه پیشین (الف) + مصدر (با حذف آخرین واکه)

	ریختن	مصدر لَتَ leta
ریختم	om-let	أَمِلَت
ریختی	ot-let	أَتِلَت
ریخت	oš-let	أَشِلَت
ریختیم	mo-let	مُ لَت
ریختید	to-let	تُ لَت
ریختند	šo-let	شُ لَت

۳- مصدرهایی که به [da] (د) ختم می‌شوند اگر حرکت قبل از آن «ا» [e] باشد :

شناسه پیشین (الف) + مصدر (با حذف نشانه مصدر) + ای [i]

خریدن	xaleda	مصدر خَلَدَ
خریدم	om-xali	أَمَخَلِي
خریدی	ot-xali	أَتَخَلِي
خرید	oš-xali	أَشَخَلِي
خریدیم	mo-xali	مُخَلِي
خریدید	to-xali	تُخَلِي
خریدند	šo-xali	شُخَلِي

۴- مصدرهایی که به [rda] (رد) ختم می‌شود :

شناسه پیشین (الف) + مصدر (با حذف دومین همخوان به بعد)

بردن	borda	مصدر بُرِدَ
بردم	om-bu	أَمَبُو
بردی	ot-bu	أَتَبُو
برد	oš-bu	أَشَبُو
بردیم	mo-bu	مُبو
بردید	to-bu	تُبو
بردند	šo-bu	شُبو

« ماضی استمراری »

الف. افعال لازم

نشانه استمرار (آ) + مصدر (حذف [a]) + شناسه پسین

سوختن	sota	سُتَّ
می سوختم	a-sot-ām	أَسْتَام
می سوختی	a-sot-eš	أَسْتِش
می سوخت	a-sot	أَسْت

می سوختیم	a-sot-um	اَسْتوم
می سوختید	a-sot-i	اَسْتی
می سوختند	a-sot-en	اَسْتین

ب. افعال متعدی

شناسه پیشین (ب) + مصدر (با حذف نشانه‌های مصدری) + اجزای پسین

توجه: در صرف افعال متعدی اجزای پسین به‌طور نسبتاً منظمی در مصدرها متفاوت می‌شود که در ماضی ساده ذکر آن رفته است و عیناً در ماضی استمراری نیز کاربرد دارد.

انداختن	bessa	مصدرِ بَس
انداختم	ma-bes	مَبَس
انداختی	ta-bes	تَبَس
انداخت	ša-bes	شَبَس
انداختیم	moa-bes	مُ اَبَس
انداختید	toa-bes	تُ اَبَس
انداختند	šoa-bes	شُ اَبَس

« ماضی نقلی »

الف. افعال لازم

مصدر (حذف [a]) + فعل معین اَس

خوابیدن	xata	خَت
خوابیده ام (خوابیدستم)	xat-ess-ām	خَتِسام
خوابیده‌ای (خوابیدستی)	xat-ess-eš	خَتِشش
خوابیده است (خوابیدست)	xat-e	خَت
خوابیده ایم (خوابیدستیم)	xat-ess-um	خَتِسام

خوابیده آید (خوابیدستید)	xat-ess-i	خَتِیسی
خوابیده اند (خوابیدستند)	xat-ess-en	خَتِیسن

صرف فعل ماضی نقلی در مصدرهای (چَد) و (بُد) علاوه بر شکل بالا بدین شکل هم صورت می‌گیرد:

مصدر (حذف [da]) + فعل معین «است»

رفته ام	č-ess-ām	چَسام
رفته ای	č-ess-eš	چَسش
رفته است	čed-e	چَد
رفته ایم	č-ess-um	چَسوم
رفته آید	č-ess-i	چَسی
رفته اند	č-ess-en	چَسن

ب. افعال متعدی

شناسه پیشین (الف) + مصدر (حذف [a]) + فعل معین اس

خریدن	xaleda	خَلِد
خریده ام	om-xaled-e	اُمخَلِد
خریده ای	ot-xaled-e	اُتخَلِد
خریده است	oš-xaled-e	اُشخَلِد
خریده ایم	mo-xaled-e	مُخَلِد
خریده آید	to-xaled-e	تُخَلِد
خریده اند	šo-xaled-e	شُخَلِد

« ماضی نقلی مستمر »

نشانه استمرار [a] + مصدر (حذف [a] پایانی) + فعل معین اس

گشتن	gešta	گِشَتَ
می‌گشته‌ام	a-gešt-ess-ām	اگِشَتِسام
می‌گشته‌ای	a-gešt-ess-eš	اگِشَتِش
می‌گشته‌است	a-gešt-e	اگِشَتِ
می‌گشته‌ایم	a-gešt-ess-um	اگِشَتِسوم
می‌گشته‌اید	a-gešt-ess-i	اگِشَتِسی
می‌گشته‌اند	a-gešt-ess-en	اگِشَتِسن

* صرف فعل ماضی نقلی در مصدرهای چِد [čeda] و بُد [boda] صورت دیگری برای صرف دارند:

می‌رفته‌ام	a-č-ess-ām	اچِسَام
می‌رفته‌ای	a-č-ess-eš	اچِسَش
می‌رفته‌است	a-čed-e	اچِدِ
می‌رفته‌ایم	a-č-ess-um	اچِسُوم
می‌رفته‌اید	a-č-ess-i	اچِسِی
می‌رفته‌اند	a-č-ess-en	اچِسِن

ب. افعال متعدی

شناسهٔ پیشین (الف) + مصدر (حذف [a]) + فعل معین اس

پخش کردن	bašeda	بَشِدَ
پخش می‌کرده‌ام	ma-bašed-e	مَبَشِدِ
پخش می‌کرده‌ای	ta-bašed-e	تَبَشِدِ

پخش می‌کرده است	ša-bašed-e	شَبَشِد
پخش می‌کرده‌ایم	moa-bašed-e	مُ آبَشِد
پخش می‌کرده‌اید	toa-bašed-e	تُ آبَشِد
پخش می‌کرده‌اند	šoa-bašed-e	شُ آبَشِد

« ماضی بعید »

الف. افعال لازم

مصدر (با حذف [a]) + فعل معین اس [essa]

رسیدن	raseda	رَسِد
رسیده بودم	rased-essānām	رَسِدِسَانَام
رسیده بودی	rased-essāneš	رَسِدِسَانِش
رسیده بود	rased-essun	رَسِدِسُون
رسیده بودیم	rased-essānum	رَسِدِسَانُوم
رسیده بودید	rased-essāni	رَسِدِسَانِی
رسیده بودند	rased-essānen	رَسِدِسَانِین

ب. افعال متعدی

شناسه پیشین (الف) + مصدر (با حذف [a]) + فعل معین اس [essa]

ریختن	leta	لِت
ریخته بودم	om-let-essun	اُمَلِتِسُون
ریخته بودی	ot-let-essun	اُتَلِتِسُون
ریخته بود	oš-let-essun	اُشَلِتِسُون
ریخته بودیم	mo-let-essun	مُلتِسُون
ریخته بودید	to-let-essun	تُلتِسُون
ریخته بودند	šo-let-essun	شُلتِسُون

« ماضی بعید مستمر »

الف. افعال لازم

نشانه استمرار [a] + مصدر (حذف [a]) + فعل معین اِس [essa]

گشتن	gešta	گِشَت
می‌گشته بودم	a-gešt-essānām	اگِشَتِسانام
می‌گشته بودی	a-gešt-essāneš	اگِشَتِسانِش
می‌گشته بود	a-gešt-essun	اگِشَتِسون
می‌گشته بودیم	a-gešt-essānum	اگِشَتِسانوم
می‌گشته بودید	a-gešt-essāni	اگِشَتِسانی
می‌گشته بودند	a-gešt-essānen	اگِشَتِسانین

*این زمان در زبان فارسی وجود ندارد و در گویش کورده‌ای هم در حال حاضر به ندرت به کار می‌رود.

ب. افعال متعددی

شناسه پیشین (ب) + مصدر (حذف [a]) + فعل معین اِس [essa]

رساندن	rasenada	رَسِنَد
می‌رسانده بودم	ma-rasenad-essun	مَرَسِنَدِسون
می‌رسانده بودی	ta-rasenad-essun	تَرَسِنَدِسون
می‌رسانده بود	ša-rasenad-essun	شَرَسِنَدِسون
می‌رسانده بودیم	moa-rasenad-essun	مُ اَرَسِنَدِسون
می‌رسانده بودید	toa-rasenad-essun	تُ اَرَسِنَدِسون
می‌رسانده بودند	šoa-rasenad-essun	شُ اَرَسِنَدِسون

« ماضی ابعدا »

الف. افعال لازم

مصدر (با حذف [a]) + از [ez] + فعل معین بودن

دویدن	doveda	دُوِدَ
دویده بوده‌ام	doved-ez-bossām	دُوِدِز بُسَام
دویده بوده‌ای	doved-ez-bosseš	دُوِدِز بُسَش
دویده بوده‌است	doved-ez-bode	دُوِدِز بُدِ
دویده بوده‌ایم	doved-ez-bossum	دُوِدِز بُسُوم
دویده بوده‌اید	doved-ez-bossi	دُوِدِز بُسِی
دویده بوده‌اند	doved-ez-bossen	دُوِدِز بُسَن

* کاربرد جزء میانی [ez] « از » درگوش کورده‌ای، در افعال ماضی ابعدا و ابعدا مستمر و التزامی دیده می‌شود که همان (ه) غیر ملفوظ در فارسی است.

* افعال لازم ماضی ابعدا به کمک فعل معین بودن از نوع (بُدِس) [bodessa] نیز به کار می‌رود.

ب. افعال متعددی

شناسه پیشین (الف) + مصدر (حذف [a]) + از [ez] + فعل معین بودن

خوردن	xarda	خَرَدَ
خورده بوده‌ام	om-xard-ez-bode	اُمَخَرْدِز بُدِ
خورده بوده‌ای	ot-xard-ez-bode	اُتَخَرْدِز بُدِ
خورده بوده‌است	oš-xard-ez-bode	اُشَخَرْدِز بُدِ
خورده بوده‌ایم	mo-xard-ez-bode	مُخَرْدِز بُدِ
خورده بوده‌اید	to-xard-ez-bode	تُخَرْدِز بُدِ
خورده بوده‌اند	šo-xard-ez-bode	شُخَرْدِز بُدِ

« ماضی ابعده مستمر »

الف. افعال لازم

نشانه استمرار [a] + مصدر (با حذف [a]) + [ez] + فعل معین بودن

خواهیدن	xata	خَتَّ
می‌خواهیده بوده‌ام	a-xat-ez-bossām	أَخْتَرِبْسَام
می‌خواهیده بوده‌ای	a-xat-ez-bosseš	أَخْتَرِبْسَش
می‌خواهیده بوده‌است	a-xat-ez-bode	أَخْتَرِبْد
می‌خواهیده بوده‌ایم	a-xat-ez-bossum	أَخْتَرِبْسُوم
می‌خواهیده بوده‌اید	a-xat-ez-bossi	أَخْتَرِبْسِي
می‌خواهیده بوده‌اند	a-xat-ez-bossen	أَخْتَرِبْسِن

ب. افعال متعددی

شناسه پیشین (ب) + مصدر (حذف [a]) + [ez] + فعل معین بودن

دادن	dada	دَدَّ
می‌داده بوده‌ام	ma-dad-ez-bode	مَدَدِزْبُد
می‌داده بوده‌ای	ta-dad-ez-bode	تَدَدِزْبُد
می‌داده بوده‌است	ša-dad-ez-bode	شَدَدِزْبُد
می‌داده بوده‌ایم	moa-dad-ez-bode	مُ‌أَدَدِزْبُد
می‌داده بوده‌اید	toa-dad-ez-bode	تُ‌أَدَدِزْبُد
می‌داده بوده‌اند	šoa-dad-ez-bode	شُ‌أَدَدِزْبُد

« ماضی التزامی »

الف. افعال لازم

مصدر (با حذف [a]) + [ez] + فعل معین بودن

سوختن	sota	سُتَّ
سوخته باشم	sot-ez-bām	سُتَرِ بام
سوخته باشی	sot-ez-beš	سُتَرِ بِش
سوخته باشد	sot-ez-be	سُتَرِ ب
سوخته باشیم	sot-ez-bum	سُتَرِ بوم
سوخته باشید	sot-ez-bi	سُتَرِ بی
سوخته باشند	sot-ez-ben	سُتَرِ بن

ب. افعال متعدی

شناسه پیشین (الف) + مصدر (با حذف [a]) + [ez] + فعل معین بودن

خریدن	sessa	سِسَّ
خریده باشم	om-sess-ez-be	أَمِ سِسَّرِبِ
خریده باشی	ot-sess-ez-be	أَتِ سِسَّرِبِ
خریده باشد	oš-sess-ez-be	أَشِ سِسَّرِبِ
خریده باشیم	mo-sess-ez-be	مُ سِسَّرِبِ
خریده باشید	to-sess-ez-be	تُ سِسَّرِبِ
خریده باشند	šo-sess-ez-be	شُ سِسَّرِبِ

« وجه امری »

وجه امری در گویش کورده از ریشه زمان حال است و معمولاً به صورت‌های زیر می‌آید :

۱- افعالی با جزء پیشین [be] (بِ) امری می‌شوند و در ریشهٔ مصدری آن‌ها یکی از واکه‌های [a-i-e-ā] وجود داشته باشد :

مصدر	معادل آوایی	فارسی	امر	معادل آوایی
خَلِدَ	xaleda	خریدن	بَخَل	be-xal
کَشِدَ	kašeda	کشیدن	بِکَش	be-kaš
گِرِتَ	gereta	گرفتن	بِگِی	be-gi
چَرخِدَ	čarxeda	چرخیدن	بِچَرخ	be-čarx

۲- افعالی که با جزء پیشین [bo] (بُ) امری می‌شوند و در ریشهٔ مصدری، یکی از واکه‌های [o-u-ù] را دارند :

مصدر	معادل آوایی	فارسی	امر	معادل آوایی
دُودَ	doveda	دویدن	بُدو	bo-dow
خَرَدَ	xarda	خوردن	بُخْ	bo-xo
بُرَدَ	borda	بردن	بُبا	bo-bā
گُرُوچَدَ	korùčeda	جویدن	بُگُرُوچِن	bo-korùčen

۳- افعالی که با جزء پیشین [o-ā] امری می‌شوند :

مصدر	معادل آوایی	فارسی	امر	معادل آوایی
چَدَ	čeda	رفتن	اُچا	o-čā
دَدَ	dada	دادن	اَدِ	ā-de

۴- افعالی که همانند فارسی، وجه امری آن‌ها از بن مضارع همراه با دگرگونی واج‌ها ساخته می‌شود:

مصدر	معادل آوایی	فارسی	امر	معادل آوایی
کِشَتَ	kešta	کاشتن	بگر	be-kar
فِرَتَ	ferata	فروختن	بفریش	be-fereyš
گِشَتَ	gešta	گشتن	بگرد	be-gard
دِدَ	deda	دیدن	بین	be-bin

۵- افعالی که با جزء پیشین [vā-vi-vo-ve] امری می‌شوند:

مصدر	معادل آوایی	فارسی	امر	معادل آوایی
واژسَدَ	vārossada	بلند شدن	وارو	vā-ru
واجَسَ	vājossa	پیدا کردن	واجو	vā-ju
شَسَ	šassa	نشستن	وینی	vi-ni
نَدَ	nada	گذاشتن	وِن	ve-ne
سَسَ	sessa	خریدن	وَس	vo-se
وامَنَدَ	vāmonda	ماندن	وامان	vā-mān

* علامت نهی در افعال گویش کورده‌ای جزء پیشین [na] است و معمولاً به جای جزء پیشین امر می‌آید:

فارسی	معادل آوایی	نهی	معادل آوایی	امر
نگیر	na-gi	نگی	be-gi	بِگی
نَبْر	na-bol	نَبَل	bo-bol	بُبَل
نرو	na-čā	نَچا	o-čā	اُچا
نگرد	na-gard	نگرد	be-gard	بِگرد
نشین	na-ni	ننی	vi-ni	وینی

در افعال امری که با [vā] شروع می‌شوند نهی به شکل زیر صورت می‌گیرد:

فارسی	معادل آوایی	نهی	معادل آوایی	امر
بلند نشو	vā-naru	وانرو	vā-ru	وارو
نمان	vā-namān	وانمان	vā-mān	وامان

در واقع جزء پیشین امر [vā] حذف نمی‌شود و نشانه نهی به فعل می‌چسبد.

۵- نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که افعال گویش کورده‌ای از نظر طبقه صرفی به دسته زبان‌های ترکیبی - پیوندی تعلق دارد. در گویش کورده‌ای در صرف افعال ماضی از شناسه‌های خاصی استفاده می‌شود، به گونه‌ای که شناسه‌های استفاده شده در افعال ماضی لازم با شناسه‌های استفاده شده در افعال ماضی متعدی متفاوت است. هر کدام از این افعال از شناسه‌های فاعلی و مفعولی ویژه‌ای استفاده می‌کنند، در زمان‌های استمراری فقط از شناسه‌های پیشین (ب) و در دیگر زمان‌ها از شناسه‌های پیشین (الف)

استفاده می‌شود. در این گویش، زمان‌های فعلی وجود دارد که به زمان‌های خیلی دور اشاره دارد به طوری که در زبان فارسی چنین زمان‌هایی وجود ندارد. افعال معین در فارسی بدون تغییر شکل در کنار فعل و پس از آن می‌آیند در حالی که در گویش کورده‌ای این افعال همپای فعل اصلی خود تغییر شکل کامل می‌دهند و همانند فعل اصلی صرف می‌شوند.

کتابنامه

کتاب‌ها

- اشمیت، رودیگر، (۱۳۹۳)، راهنمای زبان‌های ایرانی، تهران: ققنوس.
- خنجی، لطف علی، (۱۳۷۸)، گویش خنجی بر مبنای دستور زبان لارستانی، شیراز: دانشنامه فارس.
- دبیر مقدم، محمد، (۱۳۹۲)، رده‌شناسی زبان‌های ایران، تهران: سمت.
- مورخ لاری، سید علاء‌الدین، (۱۳۷۱)، تاریخ لارستان، به تصحیح محمد باقر وثوقی، شیراز: راهگشا.
- وثوقی، محمد باقر، (۱۳۶۹)، لار شهری به رنگ خاک، تهران: کلمه.

مقالات

- کلباسی، ایران، (۱۳۶۷)، «دستگاه فعل در گویش لاری»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲۱، ش ۱، ص ۱۶۸-۱۶۸.
- _____، (۱۳۸۰)، «دستور زبان لارستانی»، مجله کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی، ش ۴۴، ص ۶۲-۶۵.
- _____، (۱۳۷۶)، «دو بیتی‌های لاری از مهجور شاعر لارستانی». مجله ادبیات و زبان‌ها، ش ۲۱، ص ۵۴-۵۷.
- کلباسی، ایران و قنادی، رویا (۱۳۸۶)، «ساختمان فعل در گویش جرقویه از دیدگاه رده‌شناسی»، مجله زبان و زبان‌شناسی، ش ۶، ص ۱۲۷-۱۰۳.

- مالچانوا، ای. ک. «گویش‌های لاری»، ترجمه معصومه احسانی. نامه فرهنگستان، ش ۵، ص ۱۸۷-۱۸۳.

پایان نامه‌ها

- سمیعی، رحمت‌الله (۱۳۷۱)، بررسی گویش لاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- کامیاب، خواجه نظام‌الدین (۱۳۷۰)، واژه‌نامه ریشه‌شناسانه گویش لاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.